

بررسی نسخه‌ی خطی دیوان اصغر نهایندی



داریوش ذوالفقاری

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه پیام نور

و عضو پژوهشکده‌ی زبان‌شناسی، کتیبه‌ها و متون

اشاره

بررسی نسخه‌ی خطی دیوان اصغر نهایندی مندرج در این شماره‌ی فرهنگان بخشی از مقدمه‌ای است که در دیوان اشعار آمده و در دست چاپ است. این بررسی توسط همشهری پژوهشگر جناب آقای داریوش ذوالفقاری صورت گرفته و برای درج در فرهنگان ارسال شده است. چند سال قبل نیز به منظور حفظ آثار ادبا و شعرای نهایند مجموعه‌ای از اشعار

این شاعر معاصر همشهری از سوی جناب آقای عباس اصغری، از نوادگان آن مرحوم، در اختیار مؤسسه گذاشته شده بود که مجدداً به این وسیله از ایشان سپاس‌گزاری می‌شود.

در جلسه‌ی هئیت تحریریه‌ی فرهنگیان پیشنهاد شد نویسنده‌ی این مقاله، که مصحح دیوان اصغر نهایندی نیز هست، نسخه‌ی تصحیح شده‌ی خود را با مجموعه‌ی اشعار مضبوط در مؤسسه مقابله و بررسی نمایند. اینک در بخش اول، نتیجه‌ی مقابله‌ی ایشان از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد و در بخش دوم بررسی ارسالی را ملاحظه خواهید کرد. توفیق بیشتر مصحح محترم را در معرفی مفاخر ادبی و فرهنگی شهرستان نهایند خواستاریم.

فرهنگیان

خواستاریم.

(۱)

سال ۱۳۸۶ تصحیح دیوان اصغر را به عنوان یک طرح پژوهشی به پژوهشگاه میراث فرهنگی پیشنهاد کردم، که در شورای تخصصی تصویب گردید. در شروع کار سعی کردم به نسخه‌هایی غیر از آنچه در مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود دست یابم که راه به جایی نبردم. در زادگاه شاعر (نهایند) نیز به چیزی دست نیافتم. فقط آقای عباس اصغری از نوادگان مرحوم شاطر اصغر گفتند به همراه دو نفر دیگر دیوان اصغر را از آنچه به صورت پراکنده نزد مردم نهایند بوده است گردآوری کرده‌ایم.

مقاله‌ای که پیش رو دارید، بخشی از مقدمه‌ی نگارنده بر تصحیح نسخه‌ی خطی دیوان اصغر نهایندی است. وقتی آن را برای چاپ به فرهنگیان سپردم، مؤسسه‌ی فرهنگی علیمرادیان «مجموعه‌ای» را در اختیارم قرار دادند و پیشنهاد کردند آن را با نسخه‌ای که تصحیح کرده‌ام مقابله کنم و موارد اختلاف را بنویسم.

به محض دیدن مجموعه متوجه شدم همان است که آقای عباس اصغری گفته بود و استنساخی است از نسخه‌ی کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی که تنها نسخه و اساس کار نگارنده‌ی این سطور بوده است. در این مجموعه کار علمی قابل توجهی صورت نگرفته است و در صورتی که با نسخه‌ی خطی بررسی شده مقابله گردد کاستی‌هایی در آن دیده خواهد شد. موارد زیر نمونه‌ای از کاستی‌های این مجموعه است که با نگاهی گذرا به چشم می‌آید:

۱- در موارد فراوانی خوانش غلط نسخه باعث اشتباهات فاحشی شده است، از جمله:

۱-۱ صفحه‌ی ۲۴۶ مجموعه:

گاهت بهشت گویم گه حوریت بخوانم / چون اسب عقل رانم بهتر از این دو
تایی

نسخه‌ی خطی: بهتر از این و اویی. مطلع غزل این است:

یا رو بر آفتابی یا آفتاب رویی / یا مویت عنبرین است یا عنبرینه مویی
همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، قافیه‌ی «دوتایی» که در مجموعه آمده غلط است.

۱-۲ صفحه‌ی ۳۱ مجموعه: چون ماه به بردن دل خوب قابل است

نسخه‌ی خطی: چون ماه من به بردن دل خوب قابل است

۱-۳ صفحه‌ی ۵۱ مجموعه: هر آن که عشق بتی نیست به سرم آدم نیست

نسخه‌ی خطی: هر که را عشق بتی نیست به سر آدم نیست

۱-۴ صفحه‌ی ۸۵ مجموعه: گل بستان رخ او جای تماشا باشد

نسخه‌ی خطی: گلستان رخ او جای تماشا باشد

۱-۵ صفحه‌ی ۹۵ مجموعه: چو رخسار زیبایش یک گل نباشد

نسخه‌ی خطی: چه رخسار زیبایش یک گل نباشد

شاطر اصغر در بسیاری از موارد از جمله در همین جا به جای «چو» از «چه»

استفاده کرده است و این کاربرد جزو ویژگی‌های سبکی اوست.

۱-۶ صفحه‌ی ۲۲۶ مجموعه: لبخند گر تو را به ترازوی دلبری

نسخه‌ی خطی: سنجند گر تو را به ترازوی دلبری

۱-۷ صفحه‌ی ۲۴۰ مجموعه: نمانده بر تن من از فراق روی تو جانانی

نسخه‌ی خطی: نمانده بر تن من از فراق روی تو جانی

۱-۸ صفحه‌ی ۲۵۴ مجموعه: در پیش قدمت قامت سرو است خمیده

نسخه‌ی خطی: پیش قدمت قامت سرو است چمیده

۲- مثنوی «هشتاد و هفت چون ز هزار و دویست رفت

نرخ حبوب‌ها همگی یک به بیست رفت»

در بخش مخسمات آمده است.

۳-قصاید نسخه‌ی خطی در مجموعه نیامده است.

۴-چهار رباعی در وصف قمار بازی، موجود در نسخه‌ی خطی، در مجموعه

نیامده است.

۵-رقم نسخه‌ی خطی که در آن نام کاتب و تاریخ کتابت نوشته شده در مجموعه

نیامده است.

از مزایای مجموعه، واژه‌نامه‌ای است که در پاورقی‌ها آمده است؛ ولی به دلیل کاستی‌های اساسی که نمونه‌ای از آنها بیان شد، نمی‌توان از این مجموعه به عنوان یک منبع علمی در تحقیقات دیگر استفاده کرد.

(۲)

چکیده

نسخ خطی که در زاویه‌ی کتابخانه‌ها و گاهی به صورت پراکنده در دست مردم قرار دارند، جزو ارزشمندترین میراث مکتوب کشور محسوب می‌شوند. معرفی و احیای این میراث ارزشمند وظیفه‌ی مهمی است که شایسته است هر پژوهشگری در حوزه‌ی تخصص خود به آن بپردازد.

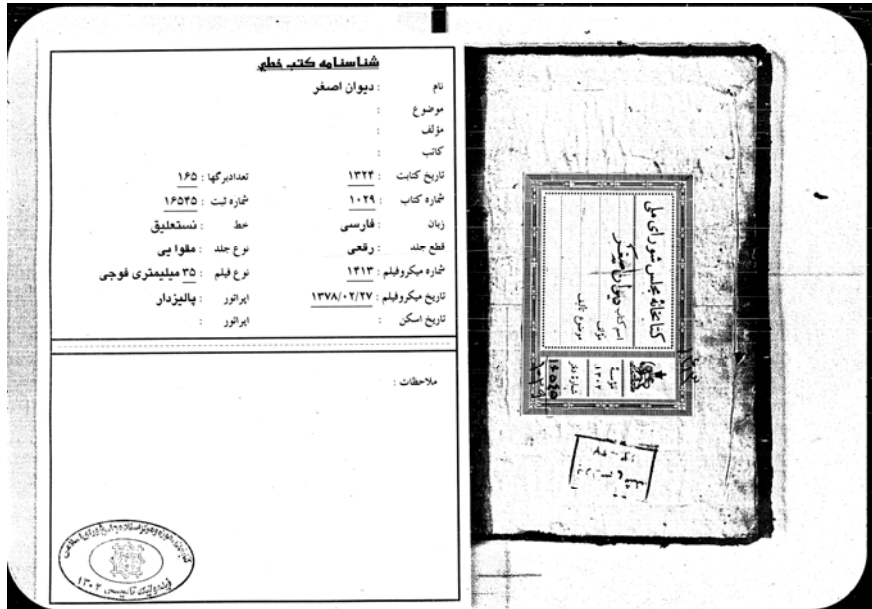
بررسی «نسخه‌ی خطی دیوان اصغر» موضوع این مقاله است. شناسنامه‌ی نسخه‌ی خطی، سبک شناسی شعر اصغر، غلط‌های املائی نسخه‌ی خطی، کلمات مبهم و مهجور و اثرپذیری شاعر از شعرای دیگر، از جمله مواردی هستند که در این بررسی درباره‌ی آن‌ها بحث شده است.

کلید واژه‌ها

شعر، اصغر، نسخه‌ی خطی

مقدمه

در بخش نسخ خطی کتابخانه‌ی مجلس، نسخه‌ی شماره‌ی ۱۰۲۹ متعلق است به متن اشعار شاطر اصغر نهاوندی، که با عنوان «دیوان اصغر» کتابت شده است.



این کتاب را فرزند شاعر، محمدحسن نهاوندی نوشته و در دو قسمت از آن اسم خود را آورده است. یک بار بعد از مخمّسات و در شروع قصاید:

«تمت المخمّسات بتاريخ دوازدهم شهر صفر المظفر من شهر یکهزار و سیصد و بیست و چهار هجری نبوی(ص) فی القصاید در مدح مولای متقیان اسدالله الغالب علی بن ابی طالب صلوات الله و سلامه علیه. امیدوارم از خواننده که این حقیر سراپا تقصیر محمدحسن بن علی اصغر را به فاتحه یاد و شاد نماید» (دیوان اصغر، ص ۱۵۲).

یک بار هم در پایان کتاب:

«تمت الكتاب بعون الملك الوهاب حرره محمدحسن بن علی اصغر نهاوندی بتاريخ ۱۶ شهر صفر المظفر من شهر یکهزار و سیصد و بیست و چهار هجری نبوی صلی الله علیه و آله و سلم از خواننده التماس دعا و به فاتحه این حقیر سراپا تقصیر را یاد و شاد نماید». سنه ۱۳۲۴

این نوشتنم تا بماند یادگار

من نمانم خط بماند روزگار

(دیوان، ص ۱۶۵)

آن گونه که از نوشته‌ی کاتب؛ یعنی فرزند شاعر برمی آید اسم شاعر «علی اصغر» بوده است و طبق اشعاری که تخلص در آن‌ها آمده تخلص شاعر «اصغر» است.

سال ۱۳۲۴ هـ ق یعنی سال نوشتن نسخه‌ی خطی دیوان اصغر نسبت به زندگی اصغر چه زمانی است، معلوم نیست. آیا شاعر در این تاریخ زنده بوده و خود اشعارش را تقریر کرده و فرزندش نوشته است یا این که فرزند او از روی نوشته‌های پدر اشعارش را بازنویسی نموده است؟

دقت در نسخه‌ی خطی، با توجه به اغلاط املائی فراوانی که دارد (حدود ۱۳۴ مورد)، فرض دوم را، یعنی این که محمدحسن از روی نوشته‌های پدر نسخه‌ی خطی را نوشته باشد، منتفی می‌کند و به نظر می‌رسد در این تاریخ پدر او زنده بوده و با صدای لرزان خود اشعارش را با حوصله‌ی فراوان می‌خوانده و فرزندش آن‌ها را می‌نوشته است. این مدعا را دلیل دیگری هم ثابت می‌کند و آن این که در بسیاری از موارد کلمه‌ی دیگری در کنار یک مصرع نوشته شده است تا جای‌گزین یکی از کلمات شود که احتمالاً شاعر بعد از روایت نخست خود تصمیم می‌گرفته کلمه‌ای را تغییر بدهد و به کاتب می‌گفته تا کلمه‌ی جدید را در کنار بیت یادداشت کند. در همه‌ی موارد هم این کلمه‌ی دوم از کلمه‌ی اول بهتر به نظر می‌رسد. از جمله‌ی این موارد است: نباشد لذتی بهتر از این لذت که در گلشن

به دستی دلبر و در دست دیگر جام می‌باشد

(دیوان، ص ۶۳)

در کنار کلمه‌ی «گلشن»، «عالم» هم نوشته شده است.

شیطان اگر که مست می عشق او شود
از بهر سجده بر قدم آدم او فتد
(دیوان، ص ۶۴)

در کنار «او»، «وی» نیز نوشته شده است.

اگر شاعر در نسخه‌ی دست‌نویس خود این اصطلاحات را انجام می‌داد، کلمه‌ی قبلی را حذف می‌کرد و کلمه‌ی جدید را به جای آن می‌گذاشت ولی کاتب برای این که نوشته‌اش دستکاری نشود، کلمه‌ی قبلی را خط نزنده یا پاک نکرده است.

۱- زادگاه و عصر شاعر

آخرین شعر دیوان اصغر، ۵۹ بیت است، درباره‌ی قحطی و وبا و طاعون در نهایند: هشتاد و هفت چون ز هزار و دویست رفت

نرخ حبوب‌ها همگی یک به بیست رفت

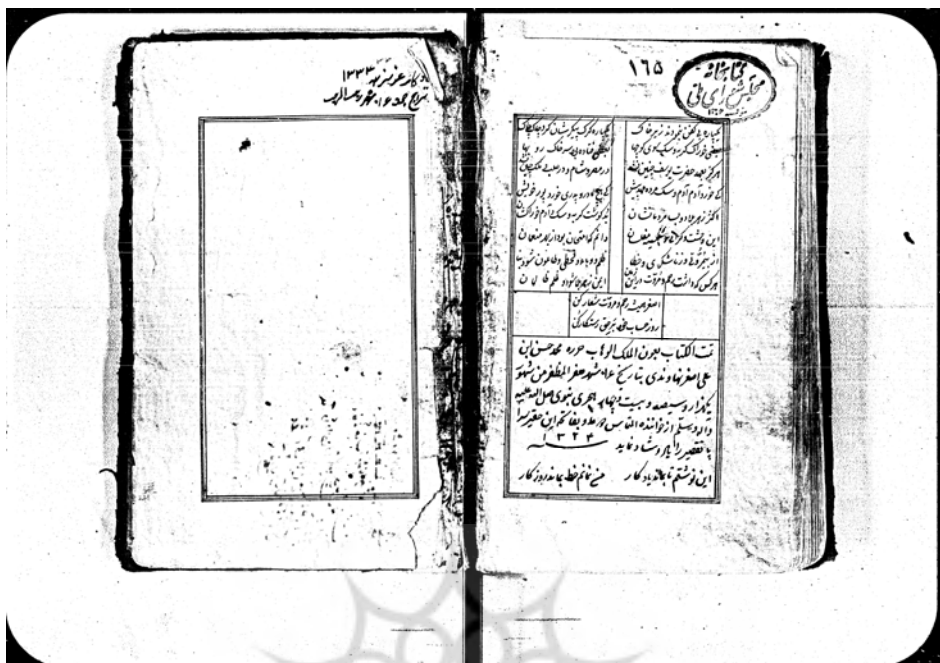
(دیوان، ص ۱۶۲)

بنابراین شعر، اصغر در سال ۱۲۸۷ هـ ق (۱۲۴۹ ش) زنده بوده است. و این تنها تاریخ قطعی و مستندی است که درباره‌ی زندگی شاعر در دست داریم و در هیچ منبع مکتوبی درباره‌ی شاعر تاریخ دیگری بیان نشده است. آنچه می‌توان گفت این است که از شاعران عصر قاجار (دوره‌ی ناصرالدین شاه) است. در شهرستان نهایند به دنیا آمده و در همین شهر از دنیا رفته است. ولی تاریخ تولد و وفات او تاکنون معلوم نیست. شاید بتوان ریشه‌ی گمنامی شاعر را شاه‌ستیزی او دانست، به طوری که هیچ‌گاه حاضر نشده است گوهر شعرش را در پای ظالمانی بریزد که نتیجه‌ی عملکردشان برای مردم فقر و قحطی و بیماری بوده است:

از بی‌مروتی و ز ناشکری و خطا

ظلم و وبا و قحطی و طاعون شود بنا

(دیوان، ص ۱۶۵)



۲- مشخصات نسخه‌ی خطی

کاتب محمدحسن نهاوندی، تاریخ کتابت ۱۳۲۴ هـ ق (۱۲۸۵ ش)، نوع خط: نستعلیق، جلد مقوایی، کاغذ فرنگی، قطع رقعی، شماره‌ی برگ‌ها ۸۳، صفحات ۱۶۵، صفحه‌ای حدود ۱۵ بیت، طول ۱۷/۵ سانتی‌متر و عرض ۱۱ سانتی‌متر.

۳- سبک‌شناسی

بیشتر شعرهای دیوان اصغر در قالب غزل است و شاعر در این غزل‌ها پیرو سبک شاعران دوره‌ی عراقی است. از میان شاعران این دوره بیشتر از همه به حافظ عشق می‌ورزد و بعضی از غزلیات خواجه را تضمین کرده است. مفردات دیوان اصغر

نشان می‌دهد که به شاهنامه هم علاقه‌ی فراوانی داشته است و چه بسا در بزم‌های شاهنامه‌خوانی، که از دیرباز در شهر و دیار او برگزار می‌شده، شرکت می‌کرده است. در سراسر دیوان اصغر یک بار بیشتر تأثیر مستقیم قرآن کریم را نمی‌بینیم: نمی‌شود به تو اصغر نگار هرگز یار شتر نمی‌گذرد آری از ته سوزن اشاره دارد به آیه‌ی ۴۰ از سوره‌ی اعراف: ان الذین کذبوا بایاتنا و استکبروا عنها لا تفتح لهم ابواب السماء و لا یدخلون الجنة حتی یلج الجمل فی سم الخیاط و کذاک نجزی المجرمین: درهای آسمان به روی تکذیب کنندگان آیات ما و کبرورزان گشوده نمی‌شود و به بهشت در نمی‌آیند مگر این‌که شتر از سوراخ سوزن در آید، این چنین گناهکاران را کیفر می‌دهیم. (قرآن مجید، ترجمه‌ی کاظم پورجوادی، ۱۳۷۵).

۱-۳ زبان شاعر

شاعر به لحاظ زبان و سبک شعر جزو شاعران دوره‌ی بازگشت به حساب می‌آید، ولی تأثیر گویش نهایندی، که زبان مادری اوست در بسیاری از سروده‌هایش به چشم می‌خورد که نمونه‌وار مواردی بیان می‌شود:

سرزَنشتم می‌کند عقل ار تو را گویم بهشت
چون بهشت جاودان شد از طفیلت کامیاب

(دیوان، ص ۵۰)

سرزَنشت به جای سرزنش کلمه‌ی رایج در گویش نهایندی است.

اوصاف تو را خلق بگویند مدامی چه پیر و جوان و چه معمّم چه مکلاً
(دیوان، ص ۱۱۰)

مدامی به جای مدام.

مر سلیمان زمانی که به انگشتر ناز مستخر مملکت جمله‌ی دل‌ها داری
(دیوان، ص ۱۱۱)

مستخر به جای مستخر.

مکن اصغر از این معقوله گفتار که اندر عشق‌بازی های و هی نیست
(دیوان، ص ۱۴)

معقوله به جای مقوله.

مردی سخاوت است مروت ز صولت است
آهن نکوتر است ز شمشیر کم بُرشت
(دیوان، ص ۲۴)

کم برشت به جای کم برش.

نازنین سرو مرا بین چه روشی دارد الحق آن است که رخسار بهشتی دارد
(دیوان، ص ۴۹)

روشت به جای روش.

بیند اگر به خواب برهمن جمال او بنیاد بت شکستن بت‌خانه می‌کند
(دیوان، ص ۶۳)

بنیاد می‌کند: شروع می‌کند که این معنا در گویش نهاوندی آمده است.

ز عشق آن بت لایلا صفت عهدی است مجنونم

نشد یک دم شود جویای حال زار مسکینم

(دیوان، ص ۹۴)

عهدی به جای مدتی.

تپیدنش بود از بهر ماه رخساری که صد هزار زبان در وصایفش لال است

(دیوان، ص ۲۶)

وصایف به جای وصف.

یکی از ویژگی‌های سبکی شعر شاطر اصغر به کار بردن «چه» به معنی چو، مثل و

مانند است، که بسامد بالایی دارد، مانند:

گر شمیم طره‌اش بر تربت لیلی رسد

خیزد از جا و ز عشقش خود چه مجنون می‌کند

(دیوان، ص ۶۰)

هر که یابد ره به گنج وصل آن زیبانگار

خویش مستغنی از آن دولت چه قارون می‌کند

(دیوان، ص ۶۰)

این کاربرد در متون قدیمی هم رایج بوده و شاطر اصغر در این مورد پیرو سبک

قدماست:

آدمی کی بُود گزنده چه تو دیو و دد کی بُود درنده چه تو

سنایی (اسحق طغیانی، ۱۳۸۲، ص ۱۱)

و دیگر بزرگان روی زمین
 همه دخت رستم همی خواستند
 چه فغفور و قیصر چه خاقان چین
 همه بر دلش خواهش آراستند
 فردوسی (اسحق طغیانی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۱)

۲-۳ فکر شاعر

شعر اصغر از «من فردی» فراتر رفته و در بسیاری از موارد به «من اجتماعی» و گاهی هم به «من جهانی» رسیده است. در زمانه‌ای که مدح شاه و درباریان برای هر ادیب و شاعری نان و آب می‌آورده است و در سایه‌ی آن خواب راحت فراهم می‌شده، اصغر دامن خود را به این ننگ تاریخی آلوده نکرده و آزادانه در نقد جامعه سروده است:

می هی بخور که لذتش از هر چه بهتر است
 اما در این زمانه نخوردن نکوتر است
 از دست خلق کج روش شوم بوالهوس
 غم مونس همیشه و بر زانوم سر است
 منعم مکن اگر به نمازم حضور نیست
 رویم به قبله باشد و دل جای دیگر است
 فرزندی و باب هیچ نباشند فکر هم
 بنگر که وای نفسی چون روز محشر است
 انصاف و رحم و شرم و حیا نیست ذره‌ای
 زان رو همیشه قحطی و سلطان ستمگر است

کنج قناعتی به کف آور کناره کن
 از هر کسی که خوب‌تر از گنج گوهر است
 در نزد هیچ‌کس سخن از نیک و بد نگو
 ای خوش به حال آن‌که همینش میسر است
 شخصی که خوب در نظرت جلوه می‌کند
 بدتر ز مار و عقرب و افعی و اژدر است
 اصغر به هر که می‌نگری هر دقیقه‌ای
 مانند رنگ بوقلمون رنگ دیگر است
 (دیوان، ص ۲۸)

بسیاری از اشعار اصغر مستقیم و غیر مستقیم در مدح امام علی(ع) و امام
 زمان(عج) است که نشان می‌دهد از شیعیان اثنی عشری بوده است. واژه‌های منتظر و
 موعود در این ابیات، که برای امام زمان(عج) سروده، قابل توجه است:
 دل به کف جان به لب اندر سر ره منتظرم
 گر بیایی [به برم] طالع من مسعود است
 بگذر از لطف به من تا که بگویم به رقیب
 خاک غم ریز به سر، یار برم موعود است
 (دیوان، ص ۲۸)

غزل‌های دیگر وی در وصف امام زمان(عج) با این مطلع سروده شده است:

رخ نیکوی تو را دید هر آن کس به جهان جلوه پیشش نکند حور به گلزار جنان

(دیوان، ص ۱۰۰)

هر کس که دیده روی نکوی تو یک زمان گر دین و دل زکف ندهد آدمش مخوان

(دیوان، ص ۱۰۲)

اصغر در شعر دیگری مردم همه کشورها را منتظر امام زمان (عج) می‌داند:

ز دامان وصالش دست مشتاقان بُود کوتاه

غریق بحر هجرش مردم هر شهر و کشور بین

(دیوان، ص ۹۸)

زیباترین اشعار اصغر درباره‌ی امیرالمؤمنین امام علی (ع) است. علاوه بر غزل‌های

فراوان شاعر در مدح این امام همام، قصاید کتاب هم در مدح ایشان است و سه

سروده از مخمّسات نیز درباره‌ی اوست. او معتقد است برای این که شیرینی اشعارش

رونق شکر را بشکنند باید دائماً از آن حضرت بگویند:

دائماً اصغر از اوصاف شه مردان گو تا که شیرینی اشعار تو شکر شکنند

(دیوان، ص ۵۴)

اصغر معتقد است هر شعری که در مدح امام علی (ع) سروده شده باشد از مروارید

بهتر است:

ای رخ چو گل و دیده به از نرگس شهلا

ایجادش از بهر وجودت همه عالم از حکم خدا قاسم الارزاقی و مولا

حاتم به تو محتاج به هنگام سخاوت
 فرق تو ویوسف زسما تا به زمین است
 اوصاف تو را خلق بگویند مدامی
 دل ناله کند از غم نادیدن رویت
 هرشعرکه ازمدح علی گفته هرآن‌کس
 شاهان به درت جمله گدا ای شه والا
 در حسن توئی مثل طلا او چو مُطَلَّأ
 چه پیر و جوان و چه معمّم چه مُکَلَّأ
 بلبل به گلستان شود البته تسلَّأ
 اصغر بود آن شعر به از لؤلؤ لالا
 (دیوان، ص ۱۱۰)

ظلم ستیزی و انتقاد از حاکمان زمانه از موارد دیگری است که در شعر اصغر جایگاه ویژه‌ای دارد:

شاهی که عدل و داد ندارد خدا کند
 گردد فنا رود به زمین زیر سنگ و خشت
 (دیوان، ص ۲۴)

انصاف و رحم و شرم و حیا نیست ذره‌ای
 زان رو همیشه قحطی و سلطان ستمگر است
 (دیوان، ص ۲۸)

نکته‌ی قابل توجه درباره‌ی شعر اصغر این است که این انتقادات مستقیم و صریح را در متن غزل می‌آورد، غزلی که قبل از او کمتر به این صراحت جولانگاه این‌گونه شکایت‌ها بوده است. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 یکی از واژه‌ها که در شعر اصغر از بسامد بالایی برخوردار است، فرنگی‌زاده و معادل‌های آن همانند کافر فرنگ، و بت فرنگ است که تحلیل آن‌ها به تأمل بیشتری نیاز دارد:

ز شوق آن فرنگی زاده اصغر جام می در کش

که از گلزار حسنش نوبت گل چیدن است امشب

(دیوان، ص ۸)

آن کافری که دل ز مسلمان برد به زور

ای کافر فرنگ دو چشمان مست توست

(دیوان، ص ۱۷)

با غمزه مرده زنده کند آن بت فرنگ

جا دارد ار بگویمش عیسی بن مریم است

(دیوان، ص ۲۵)

۳-۳ سطح ادبی

شاطر اصغر به اعتراف صادقانه‌ی خودش برای آن‌که مضمون آفرینی کند بسیار زحمت می‌کشیده است:

شعر اصغر گر بود شیرین خورد خونابه‌ها

تا به مضمون خوشی یک فرد موزون می‌کند

(دیوان، ص ۶۰)

و معتقد است در این زمینه موفق شده است و در موارد زیادی از شعر خود تعریف می‌کند:

اصغر غزل سرایی ات انصاف گر بود شیرینی اش حلاوت شکر شکسته است

(دیوان، ص ۲۴)

شکست رونق شکر ز شعر دلکش اصغر نبات مصر برش پای استوار ندارد

(دیوان، ص ۶۲)

مگو با اصغر این اشعار شیرین از کجا آری

نهفته گنج در ویرانه و شکر ز نی باشد

(دیوان، ص ۶۳)

با اصغر دل خسته اگر یار بگردی ریزد شکر از شوق جمال تو به اشعار

(دیوان، ص ۶۵)

اگر زنگ غم از دل گاه‌گاهی پاک می‌خواهی

می و ساغر بنه در بر فروغ شعر اصغر بین

(دیوان، ص ۹۸)

شعر شاطر اصغر از تکلف و صنعت‌زدگی مبراست و درطیفی از روانی و سرراستی

توجه خواننده را به خود جلب می‌کند. بدیع لفظی و بدیع معنوی هم در جای جای

شعر اصغر به چشم می‌خورد. در بدیع لفظی بیش از هر چیز طرفدار جناس است:

خنجر اگر گُشد ز میان و گُشد مرا روز حساب هیچ نجویم از او حساب

(دیوان، ص ۷)

بین گُشد و گُشد جناس ناقص وجود دارد و بین حساب و حساب جناس تام.

برات کن که مدام از برات خسته و زارم از آن لب شکرین بوسه‌ای به رسم زکاتم

(دیوان، ص ۸۹)

بین برات و برات جناس تام. پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در بدیع معنوی نیز اغراق جلوه‌ی ویژه‌ای در شعر او دارد:

یک قطره‌ای چکید عرق از جبین او بر روی گل که تا به قیامت معطر است

(دیوان، ص ۱۸)

نگردد روز تا روز قیامت کاشکی دیگر

که خورشید جهان افروز در پیش من است امشب

(دیوان، ص ۸)

در آتش جحیم نسوزد به روز حشر هر کس که مهر او به دلش نیم ارزن است

(دیوان، ص ۳۰)

اهل قبور زنده نمایی به جلوهای عیسی نبود مثل تو با این جلال و جاه

(دیوان، ص ۱۰۷)

حسن تعلیل و تلمیح نیز کاربرد زیادی در شعر اصغر دارد که نمونه وار از اولی دو مثال و از دومی یک مثال ذکر می شود:

خورشید، نورش از رخ زیبای دلبر است کز شرق تا به غرب ز عکسش منور است

(دیوان، ص ۱۸)

گویا که چین طره‌ی دلبر شکسته است زان رو بود که رونق عنبر شکسته است

(دیوان، ص ۲۴)

به سینه دوخت دلم را چو ناوک نازت مرا حکایت بهرام گور باور شد

(دیوان، ص ۴۷)

صورت خیالی تشبیه، که ساده‌ترین تصویر خیال‌آمیز است، در شعر شاطر اصغر از سایر صور خیال کاربرد بیشتری دارد:

چشم و ابرو زلف و خالش هر یکی دل می برد

کس ندیده چار سلطان جا به یک کشور کند

(دیوان، ص ۴۷)

دو زلف بر رخ او چون دو مار خفته در آتش

که گفته است که مار الفتی به نار ندارد

(دیوان، ص ۴۹)

ریزه‌ی قند بریزد ز دهن وقت سخن گوئیا دایه به شیرش شکر انداخته است

(دیوان، ص ۱۷)

عارضش شمع است و دودش گیسوان پرعبیر

این عجب شمعی است کایدودش ازبالابه زیر

(دیوان، ص ۶۸)

از ابر زلف سایه به لب تشنگان فکن رحمت برآور و به ضعیفان ثواب کن

(دیوان، ص ۱۰۳)

بُود ابروت محراب دعا یا مدّ بسم الله کمان رستمی یا ذوالفقار بوتراستی

(دیوان، ص ۱۲۴)

در این مورد علاوه بر تشبیه، صنعت تجاهل العارف هم وجود دارد.

به سنگِ لاج هجرت خلق بیدارند در شب‌ها

تواندر بالش راحت چو بخت من به خوابستی

(دیوان، ص ۱۲۴)

خال مشکین جلوه‌گر بر گوشه‌ی لعل لب

پیش هرکس چون مگس باشد به تُنگِ شگری

(دیوان، ص ۱۲۴)

۴- غلط‌های املائی

فراوانی غلط‌های املائی موجود در متن نسخه خطی «دیوان اصغر» موضوعی قابل تأمل است و می‌تواند سرنخ‌هایی درباره‌ی زندگی شاعر به دست بدهد. آیا اشعارش را خود نوشته است و اگر نوشته این غلط‌های املائی از بی‌توجهی خود ایشان است؟ آیا شاعر اشعار خود را برای فرزندش قرائت می‌کرده و فرزندش که خط زیبایی هم داشته آن‌ها را می‌نوشته است و غلط‌های املائی به کم سواد فرزند ایشان مربوط می‌شود؟

در این صورت مگر نه این است که باید نسخه‌ی نهایی را به نظر پدر می‌رسانده تا به آن مهر تأیید بزند؟ آیا ممکن است دردمندانه این فرضیه را مطرح کنیم که شاید شاعر شوریده‌ی ما نابینا شده باشد و در زمانی که اشعارش را برای فرزند تقریر می‌کرده است نمی‌توانسته غلط‌های املائی آن را ببیند و تصحیح کند و آیا در این مورد می‌توان بیت زیر را بیان حقیقت و دور از صور خیال شاعرانه دانست:

کور گشتم از غمت ای ماه مصری جلوه‌ای

چشم یعقوبی بکن روشن ز بوی پیرهن

(دیوان، ص ۹۸)

واژه‌هایی که در دیوان اصغر با املائی غلط کتابت شده عبارت‌اند از:

ارض - خواب - انتخاب - مسافر - تسلسل - ضریح - خویشتن - میخانه - خرّم - سنتور - مسدود - ذوالفقار - دعا - ثناخوان - خوابگه - همسفر - مرهم - اثاث - خوش‌منظر - صخره‌ی صمّا - غوغا - آدم‌خوار - محنت - بت‌خانه - خواهم - شکرخوار - هم‌خوابه - خون‌خوار - مغناطیس - خردسال - خوار -

بی‌ثمر - متاع - راضی - خاطر - خاص - همت - سوغات - صحرا - اختر -
مذکور - خوان - محسن - تابوت - گزر.

این واژه‌ها به صورت زیر نوشته شده‌اند:

عرض - خاب - انتخواب - مصافر - تسل سل - زریه - خویش تن - میخوانه -
خورم - سنطور - مصدود - زلفقار - دوعا - ثناخان - خابگه - همصفر - مرحم
- اساسا - خوش منذر - صخره سما - غوقا - آدم خار - مهنت - بت خوانه -
خاهم - شکرخار - هم خابه - خون خار - مقانطیس - خوردسال - خار - بی‌سمر
- مطاع - رازی - خواطر - خواص - حمت - سوقات - سحرا - اختر - مذکور
- خان - مهسن - تابوت - گذر.

بعضی از این غلط‌های املائی بسیار تکرار شده‌اند. در کل تعداد غلط‌ها به ۱۳۴ مورد می‌رسد.

نکته‌ی قابل توجه در این زمینه این است که در سراسر دیوان، در یک مورد و در حاشیه، درست غلط املائی موجود در متن یادداشت شده است:
به جز از صحبت آن مونس جان روز قیامت

می نخواهم که طلافی بکند حور جنانم

(دیوان، ص ۸۸)

طلافی در حاشیه‌ی صفحه به شکل درست تلافی اصلاح شده است. ولی در سایر موارد هیچ‌گونه اصلاحی انجام نشده است.

پروژه‌ی گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله‌ی جامع علوم انسانی

۵- بعضی کلمات مبهم و مهجور
مژگان او ضریح شکاف است و ابروش همچون قلیح رستم دستان زابل است

(دیوان، ص ۹)

این کلمه باید قلیچ باشد. قلیچ به معنی شمشیر است (فرهنگ معین، ۱۳۷۱)

بر گوشه‌ی لب شکر پرحلاوتش هندوی خال غالیه بویش یساؤل است

(دیوان، ص ۱۰)

به اطراف او آن قدر جان به کف هست که او را ضرور یساؤل نباشد

(دیوان، ص ۴۵)

۱- یساؤل: چوبداری را گویند که برای نظم صفوف و طرد و منع بیگانه در دربار

ارباب دولت باشد:

بنده‌ی آن نگاه خشم آلود که یساؤل به مجلسش غضب است

۲- به حاشیه‌نشینان و ملازمان و نوکرها گویند (فرهنگ معین، ۱۳۷۱)

رخ نیکوی محبوبم ز زلف مشکبو غنچ است

تماشا کن سیاه کم بهایی صاحب گنچ است

(دیوان، ص ۱۹)

غنچ: در لغت به معنی نیکو، خوش، کرشمه کردن، ناز کردن و ناز و کرشمه است

(فرهنگ معین، ۱۳۷۱) اما در این جا مقصود، آراسته است [معنایی که در گویش

نهایندی رواج دارد].

این خُم دهر که هر قطره‌ی او صد رنگ است

رنگ‌های همه مانده‌ی رنگ بقم است

(دیوان، ص ۲۰)

بَقَم، درختی از تیره‌ی پروانه‌واران که ارتفاعش تا ۱۲ متر می‌رسد. در ضخامت بافت‌های این گیاه ماده‌ی رنگینی به نام هماتین یا هماتوکسیلین وجود دارد که برای ساختن رنگ‌های بنفش، آبی، سرخ، خاکستری و سیاه استخراج می‌شود و در رنگرزی پارچه‌های ابریشمی و پشمی به کار می‌رود، زیرا در این نوع پارچه‌ها رنگ ثابت‌تر است و در پارچه‌های پنبه‌ای و کتان‌ی دوام کمتری دارد. اصل این گیاه از مکزیک و هند و جزایر آنتیل و کادلوپ و مارتینیک می‌باشد (فرهنگ معین، ۱۳۷۱).

* * *

شخص مشتاق جنان، تا به جهان معمور است

از پی می به در میکده ثابت قدم است

(دیوان، ص ۲۰)

این واژه باید مأمور باشد.

* * *

اژدر نفس بکش گنج سعادت دریاب

شهر مخروبه‌ی مغشوش چه جای حکم است

(دیوان، ص ۲۰)

این واژه باید مغشوش باشد، به معنی ناخالص، ناسره، آشفته و پریشان (فرهنگ

معین، ۱۳۷۱).

* * *

بکن به خرمن گل تکیه بعد ساقی‌دار به کف بگیر صراحی بریز می به ایاغ

(دیوان، ص ۸۲)

ایاغ: ایاق ترکی، کاسه، پیاله‌ی شراب‌خوری، جام، ساغر (فرهنگ معین)

* * *

آب در بوته‌ی عشقش دلم ار شاد بود نقره خالص نشود تا نگذارند به قال

(دیوان، ص ۸۶)

قال: ۱- چوبکی که کودکان با آن بازی می‌کنند. چوبی که بر تله زنند. ۲- بالای هر چیز، قله. ۳- بوته‌ی زرگری. از قال بیرون آمدن: از بوته بیرون آمدن (فرهنگ معین، ۱۳۷۱). در این جا معنی سوم مورد نظر است.

من که ناخوش بدن و زار و ضعیفم جانا

کن علاجم به دو عَناب لب و خُرْفه‌ی خال

(دیوان، ص ۱۵۶)

خُرْفه: (با فتح و کسرف هر دو): گیاهی است از تیره‌ای به نام خرفه، جزو رده‌ی جداگلبرگ‌ها، که خودرو و دارای ساقه‌های سرخی است که روی زمین می‌خوابد. گلبرگ‌های سفید یا زرد و تخم‌های ریز و سیاه است. تخم آن در پزشکی به کار می‌رود (فرهنگ معین، ۱۳۷۱).

«خرفه‌ی خال» اضافه‌ی مشبّه‌به به مشبه است. خال معشوق به دانه‌های ریز و سیاه خرفه تشبیه شده است.

آن‌ها که کنند حکمرانی شک نیست نَسَاج بُود بعضی و بعضی نَدَاف

(دیوان، ص ۱۵۷)

نَدَاف: حَلَّاج، پنبه‌زن (فرهنگ معین، ۱۳۷۱)

یک دسته‌ی آس، کار شیراز
یک گنجفه^۱، مال روم خون کار
(دیوان، ص ۱۵۸)

آس: واژه‌ی فرانسوی به معنی:

۱- ورق نقاشی شده برای نوعی قمار. تعداد این اوراق برای هر دست بازی معمولاً ۲۵ تا ۵۰ است. پشت ورق‌ها سیاه یکدست و روی آن‌ها به رنگ‌های پنج‌گانه‌ی سبز، سفید، سیاه، زرد و قرمز است و به ترتیب نقش‌های شاه، بی‌بی، آس، سرباز، و نکات را به سبک دل‌خواه بر آن نقش می‌کنند.

۲- تک‌خال، ورق بازی که یک خال بر آن باشد (فرهنگ معین، ۱۳۷۱)

۶- اثرپذیری

شاطر اصغر در موارد فراوانی، مضمون‌های شاعران قبل از خود، به ویژه خواجه حافظ و سعدی شیرازی، را گرفته و به شکل دیگری بیان کرده است:
حافظ:

بر سر تربت من با می و مطرب بنشین
تا به بویت ز لحد رقص کنان برخیزم
(حسین الهی قمش‌ای، ۱۳۶۷، ص ۱۴۱)

رودکی:

نگنجم در لحد گر زان که لختی
نشینی بر مزارم سوگواران
(سعید نفیسی، ۱۳۱، ص ۴۹۱)

1 - گنجفه ورق‌هایی که بدان بازی کنند و خود این بازی (لغت‌نامه‌ی دهخدا)

شاطر اصغر:

اگر که بر سر قبرم گذر کنی چومسیحا دهد ز یمن قدومت خدا دوباره حیاتم
(دیوان، ص ۹۰)

حافظ:

طهارت ار نه به خون جگر کند عاشق
به قول مفتی عشقش درست نیست نماز
(حسین الهی قمش‌های، ۱۳۶۷، ص ۲۸۸)

شاطر اصغر:

خوش آن کس که به می غسل می کند اصغر
شراب هر سحر آب وضوی او باشد
(دیوان، ص ۵۱)

حافظ:

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل مارا
به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را
(حسین الهی قمش‌های، ۱۳۶۷، ص ۳۵)

شاطر اصغر:

بهای بوسه‌ات ار ممکنم شود بدهم خراج ملک بخارا و هم سمرقندت
(دیوان، ص ۲۶)

حافظ:

پدرم روضه‌ی رضوان به دو گندم بفروخت
ناخلف باشم اگر من به جویی نفروشم
(حسین الهی قمش‌های، ۱۳۶۷، ص ۳۷۰)

شاطر اصغر:

گر فتد بر رخ او دیده‌ی مخلوق بهشت

می فروشند تماشای جنان را به دو جو

(دیوان، ص ۱۰۵)

شیخ سعدی:

حدیث روضه نگویم گل بهشت نبویم

جمال حور نجویم دوان به سوی تو باشم

(محمدعلی فروغی، ۱۳۶۳، ص ۵۶۰)

شاطر اصغر:

به جز از صحبت آن مونس جان، روز قیامت

می نخواهم که تلافی بکند حور جنانم

(دیوان، ص ۸۸)

شیخ سعدی:

بار فراق دوستان بس که نشسته بر دلم می روم و نمی رود ناقه به زیر محلم

(محمد علی فروغی، ۱۳۶۳، ص ۵۶۱)

شاطر اصغر:

بار فراق بس که نشسته است بر دلم ممکن نمی شود که کشد ناقه محلم

(دیوان، ص ۹۰)

شیخ سعدی:

جماعتی که نظر را حرام می گویند نظر حرام بکردند و خون خلق حلال

(محمد علی فروغی، ۱۳۶۳، ص ۵۳۹)

شاطر اصغر:

نمی‌دهم به یکی جرعه می‌عبادت او

که خون خلق به پیشش حلال، باده حرام

(دیوان، ص ۸۹)

شیخ سعدی:

هزار جهد بکردم که سیر عشق بپوشم نبود بر سر آتش میسرم که نجوشم

(محمدعلی فروغی، ۱۳۶۳، ص ۵۶۰)

شاطر اصغر:

ز شوق روی نکوی نگار باده فروشم چو دیگ بر سر آتش علی‌الدوام بجوشم

(دیوان، ص ۹۳)

نتیجه‌گیری

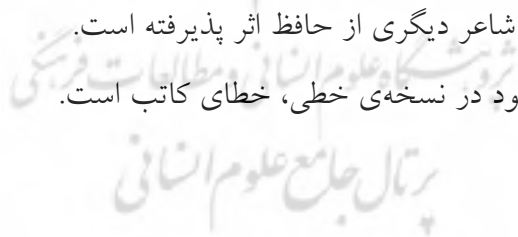
از جمله نتایج به دست آمده می‌توان موارد زیر را بیان کرد:

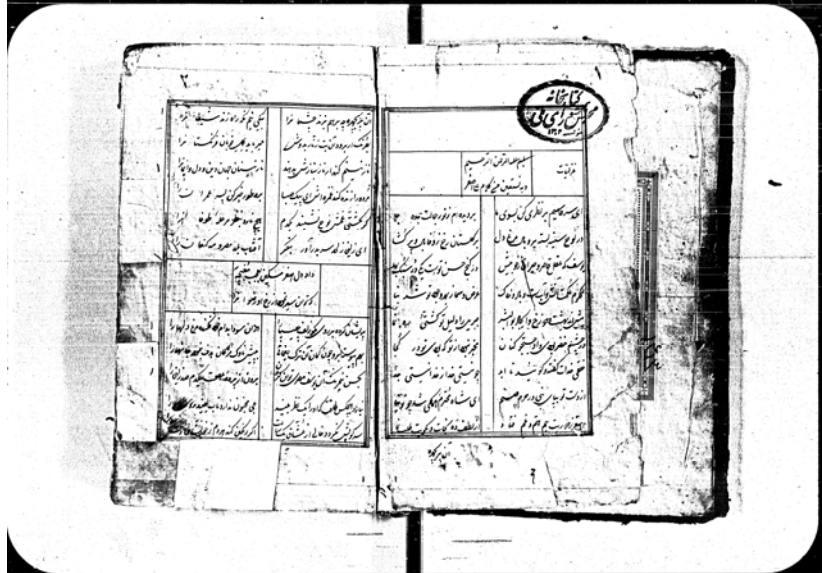
۱- به احتمال زیاد، شاعر اشعارش را تقریر کرده و فرزندش محمدحسن آن‌ها را نوشته است.

۲- اصغر از شاعران سبک بازگشت ادبی است.

۳- اصغر بیشتر از هر شاعر دیگری از حافظ اثر پذیرفته است.

۴- اغلاط املائی موجود در نسخه‌ی خطی، خطای کاتب است.





منابع و مأخذ

- قرآن مجید، ترجمه‌ی کاظم پورجوادی، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی: ۱۳۷۵
- حافظ، محمد شمس‌الدین، دیوان اشعار، تصحیح دکتر حسین الهی قمشه‌ای، چ اول، انتشارات سروش، تهران: ۱۳۶۷
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ۱۵ جلد + مقدمه، چ دوم از دوره‌ی جدید، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران: ۱۳۷۷
- سعیدی، مصلح‌بن عبدالله، کلیات سعیدی، به اهتمام محمدعلی فروغی، چ چهارم، انتشارات امیرکبیر، تهران: ۱۳۶۳
- طغیانی، اسحاق، شرح مشکلات حدیقه‌ی سنایی، دانشگاه اصفهان: ۱۳۸۲
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ هشتم، انتشارات امیرکبیر، تهران: ۱۳۷۱
- نیسی، سعید، محیط زندگی و احوال و اشعار و روذکی، انتشارات کتابخانه‌ی ابن‌سینا، تهران: ۱۳۴۱
- نهایندی، علی اصغر، نسخه‌ی خطی دیوان اشعار، کتابخانه‌ی مجلس، شماره‌ی کتاب ۱۰۲۹